یادداشت

عناصر خلاقیت و ابتکار عمل در دیپلماسی دولت چهاردهم

علی مقتدری
پژوهشگر وفعال دیپلماسی مسیر

همان‌طورکه در دهه‌های اخیر به موضوعات و کارکردارن روابط بین‌المللی افزوده شده، به تبع آن فهرست اقدامات و کرنش‌ها نیز در طیفی بزرگ، رنگارنگ و منکثر قرار گرفته است. روابط بین‌المللی با موضوع جنگ و صلح، به‌مراتب ساده‌تر از روابط بین‌المللی با موضوعات سیاست، امنیت، فرهنگ، اقتصاد، توسعه و... است و در نهایت امروز با تنوع در موضوعات، تنوع در ابزار نیز حاصل شده است. به هر میزانی که تنوع ابزارها بیشتر می‌شود، زمینه طراحی ابتکارات و پروژه‌های خلاقانه به صورت تصاعدی گسترش می‌یابد. برای مثال یک دیپلمات کلاسیک که در گذشته برای حل‌وفصل یک منازعه اقدام می‌کرد، در مقایسه با یک دیپلمات مدرن هم دستور کار محدودتر و هم زمینه محدودتری برای خلاقیت داشت. «خلاقیت در دیپلماسی» که نقطه کانونی این یادداشت است، به این مهم دلالت دارد که کنشگر دیپلماتیک در فضایی که رقبا و دشمنان تلاش می‌کنند تا در جنگ روایت‌ها و آورده‌ها اقناع مردم دیگر کشورها و همچنین ملت خود بیشتر باشند و همچنین در عرصه‌هایی که با احتمال انسداد راهکارهای کلاسیک امکان از دست رفتن منافع باشد، همواره افق دورتری را دیده و گام‌ها را بلندتر از دیگران بردارد. ازآنجایی که سال‌هاست جایگاه فرهنگ، ورزش، شهر و سلامت در روابط بین‌المللی نهادینه شده است، تکیه صرف بر راهکارهای قدیمی و همیشگی مانند هفته‌های فرهنگی، مسابقات ورزشی جام دوستی، پیمان خواهرخواندگی شهری و کمک‌های پزشکی، انرژیخسی قدیمی خود را ندارد و در حقیقت باید ضمن اجرای طرح‌های نوآورانه در چارچوب‌های بادشده، به ایده‌های ترکیبی نیز اندیشید. برای مثال همکاری‌های محیط‌زیستی، فرهنگی و شهری در یک طرح ابتکاری دیده شود و بازیگران ایرانی علاقه‌مند به روابط خارجی، در محیط بین‌المللی با یکدیگر همکاری داشته باشند. لماسی مردم‌نهیان است. مردم و جامعه خود در زمره کنشگران دیپلماسی هستند و حتی اصطلاحی تحت عنوان دیپلماسی شهروندی (Citizen Diplomacy) وجود دارد. همچنین از سوی دیگر، فعالان روابط بین‌المللی به‌ویژه دولت‌ها، اقناع مردم درباره اقدامات خود و پذیرفته‌شدن روایات مدنظر خود را ماموریتی مهم می‌دانند بنابراین کشوری که مردمش بیشترین انرژی‌ذاری فارمرزی را دارند و مردم دیگر کشورها نیز روایاتش را می‌پذیرند و حتی ایده‌ها و تولیدات را جذاب و الهام‌بخش می‌دانند، از دیگران موفق‌تر است. به عبارت دیگر خلاقیت به جذابیت می‌افزاید و جذابیت با تقویت انرژی‌ذاری و اقناع‌گری، دیپلماسی را در تحقق حداکثری منافع ملی یاری می‌دهد. دستگاه دیپلماسی نوآور و دیپلمات‌های خلاق اساسا عملکرد بهتری دارند؛ چراکه علاوه بر ادراک میان‌رشته‌ای (که ضرورت تفکر خلاق است)، راهکارهای متنوعی را طراحی می‌کنند و طرف‌های دیگر نمی‌توانند ایده‌های او را پیش‌بینی کنند. درحالی‌که همه دانشه‌ها، مهارت‌ها و حتی کارت‌ها در یک کشتی دیپلماتیک سنتی پیش‌بینی‌پذیر است؛ در بخش پایانی این یادداشت بر مهم‌ترین جایگاه خلاقیت و ابتکار عمل می‌پردازیم که در ساخت قدرت نرم قرار دارد. سال‌هاست که در فضای آکادمیک و نیز فضای رسانه‌ای کشور بر اهمیت قدرت نرم تاکید می‌شود و دانشه‌های معنایی کشور اعم از آرمان‌ها، ارزش‌ها، فرهنگ و تمدن به‌عنوان ستون‌های قدرت نرم کشور معرفی می‌شوند. اما در دو سطح مهم، ظرفیت‌های معنایی کشور به اثرگذاری بفعل و وسیع نرسیده است. در سطح ملی اهمیت دانشه‌های معنایی کشور به‌ویژه در بخش‌های تاریخی نبوده و عوامل خارجی در توضیح چیستی و چگونگی مفاهیمی مانند امنیت، قدرت و توسعه و ارتباط بین آنها برای اداره اتاق فکر عمومی ایرانیان مؤثر بوده‌اند. در سطح بین‌المللی نیز قدرت نرم برخاسته از دانشه‌های معنایی در معنای جمهوری اسلامی ایران برای اقناع و شکل‌دهی به اذهان مردم منطقه و جهان، متناسب با ظرفیت و ارزشمندی‌های موجود اثرگذاری حداکثری نداشته است. خلاقیت در این عرصه مهوم به دیپلماسی عمومی نیز کشور مهم است و کنش‌های تکراری و خالی و انواری چه‌بسا اثری کاملا معکوس داشته باشد. خلاقیت‌های دکتر سیدعباس عراقچی در ماموریت‌های مختلف دیپلماتیک اعم از سفیر معاون آسیا-اقیانوسیه، معاون حقوقی بین‌المللی، معاون سیاسی و مذاکرکننده ارشد که با نمونه‌های منشوری مانند تهیه عقدی کرم برای آسیب‌دیدگان شهر بام‌داخرجی در زلزله و سونامی شمال شرق ژاپن در سال ۲۰۱۱ در سوی همسران دیپلمات‌های ایرانی، ابتکار عمل در ادوار مذاکرات دوجانبه و چندجانبه، گشایش حوزه‌های دیپلماسی نیز نظیر دیپلماسی آب‌های فراموزی در وزارت امور خارجه و... شناخته می‌شود. نویدبخش دوره‌ای در وزارت امور خارجه بود که «دیپلماسی با همراهی همه مردم و با رهبر مهوستعاد» تحقق یابد و ابتکارات دستگاه دیپلماسی کشور موجبات شگفتی وتحسین همکاران را فراهم کند.

یادداشت

راهبرد دیپلماسی توسعه و حکمرانی سرزمین

ادامه در صفحه اول

ابعاد این سازوکار اجرائی امور فراتر در تشکیل یک سازمان وزنه‌دار هوای دیگر برای افزودن به دستگاه‌های فعال در منطقه با تخصیص ردیف بودجه و چند موقع متعارف تسهیلاتی نمی‌کنجد. به همین دلیل تأکید بر سند حکمرانی سرزمین متناسب با این منطقه را دارم. حکمرانی سرزمین مفهومی فراتر از ساختار سازمانی و تشکیلات اجرائی است. این مفهوم به اداره و مدیریت یک منطقه با تمرکز بر ساختارها، نهادها، قواعد و سیاست‌های اجرائی تاکید دارد که مسئولیت و تعهد دولت با اختیارات کامل شامل: تعریف و فرموله‌کردن قوانین و مقررات، پایه‌دسازی و سامان‌دهی نهادهای محلی، تعریف سیاست‌های عمومی، تخصیص منابع، تأمین خدمات عمومی، حفاظت از امنیت و حقوق شهروندان، تعهد به برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی و اجتماعی، نظارت و کنترل بر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و حل مسائل و تعارضات مربوط به حکمرانی را بر عهده دارد. خوشبختانه، در همه این سال‌ها دو اتفاق مهم رخ داده است که در تحقق و پایه‌دسازی این مسیر بسیار کارآمد و مؤثر خواهد بود. اتفاق اول، ماده ۶۸ احکام دائمی برنامه‌های توسعه است که ظرفیت قانونی پیش‌گفته را با تاکید بر بهره‌گیری از قانون جیگوکی اداره مناطق آزاد و مقررات بعدی آن فراهم کرده است. اتفاق دوم، شکل‌گیری شورای عالی توسعه مواحل مکران و تدوین اساسنامه سازمان توسعه سواحل مکران است که در دستور کار مجلس قرار گرفته است. بدون تردید این ظرفیت‌ها برای کیکا پروژه مکران به‌عنوان یک راهبرد توسعه در دولت کافی نخواهد بود. اما برای شروع از قدرت و ظرفیت اجرائی لازم برخوردار هستند. با مدیریت شورای توسعه سواحل مکران توسط شخص رئیس‌جمهور، نیازهای مقرراتی و ظرفیت‌های اجرائی بعدی برای توسعه متوازن و پایدار فراهم می‌شود. زمانی که باید در این مسیر مورد توجه جدی قرار گیرد، تفاوت بسیار زیاد فضای ذهنی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان ملی با برداشت جامعه محلی از این طرح‌ها و برنامه‌هاست که متأسفانه خروجی آن، بی‌اعتمادی و ناامیدی شدید در منطقه است. سازوکار ورود به این مسئله و نوع تعامل و مشارکت جامعه محلی به‌عنوان هدف اصلی توسعه در این منطقه باید در صدر توجهات و اقدامات قرار گیرد. در این یادداشت قصد ورود به صورت‌ها و الزامات منطقه‌ای در ارتباط با جامعه محلی و مشارکت‌پذیری مردم منطقه را به دلیل اهمیت و ابعاد آن نداشته‌ام و از پرداختن به آن خودداری کرده‌ام. در آینده به این موضوع بصورت جداگانه خواهم پرداخت. اما تأکید دارم مسائل اجتماعی و فرهنگی و مشارکت مردم را رویکرد نقش‌پذیری و بهره‌گیری از آثار این توسعه به‌عنوان روح حاکم بر این کیکا پروژه در نظر گرفته شود.

چرا باید نارضایتی جامعه را جدی بگیریم؟

آیا پیام انتخابات اخیر شنیده شد؟ یا مثل خیلی از اتفاقات دیگر به فراموشی سپرده شد؟

علی‌حسین رضائیان قره‌باشی
استاد دانشگاه تهران

انتخابات اخیر حاوی پیام‌های بسیار زیادی بود؛ البته برای کسانی که کوش شنوا و چشم بینا داشته و نگران یکپارچگی و تمامیت ارضی این مرز و بوم بوده و هستند. بنابراین نمی‌توان به‌تفاوت از کنار این پیام‌ها و صداهای بی‌صدایان عبور کرده و آن را پشت گوش بیندازند، بلکه با وسواس بیش اکثریت خاموش جامعه را دریافت کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و خوب است یک بار دیگر به کارگزاران و تصمیم‌گیران جامعه منعکس شود تا برای بروزرفت از آن جراحی‌اندیسی کنند. عدم مشارکت ۶۰ درصد در مرحله اول انتخابات ریاست‌جمهوری دوره چهارهم در ۱۶ سال گذشته جمهوری اسلامی ایران بی‌سابقه بود. با اینکه در دور دوم انتخابات مشارکت ۱۰ درصد افزایش پیدا کرد، ولی این افزایش نه به خاطر آشتی یا سیستم یا امیدواری به آینده بهتر، بلکه ترس از بدترشدن اوضاع و محروم‌شدن از یک زندگی اولیه بود. بنابراین افزایش آرای ۱۰درصدی مرحله دوم یک رای سلبی بود و نه یک رای ایجابی.

آنچه باعث شد این مرقومه را بنویسم، صحبت‌ها و دردل‌های جوانان، زنان و مردانی بود که در انتخابات گذشته تلاش می‌کردم با دلیل و منطق، با خواهش و تمنا، با ترغیب و تطمیع، با آوردن مثال‌های تاریخی و حساسیت موضوع و چندین دلیل دیگر، متقاعدشان کنم تا بیایند رای دهند؛ البته در برخی از جاها موفق نشدم متقاعد کنم. اینکه چرا؟ در ادامه به صورت خلاصه بیان می‌کنم. فهم و استنباط خودم به‌عنوان یک معلم دانشگاهی از نظرات افراد مختلف جامعه نگران‌کننده بود و می‌تواند خطرناک هم باشد البته اگر به‌موقع به آنها توجه و چاره‌جویی نشود. احساس کردم اگر حرف‌هایی را که شنیده‌ام به صورت مکتوب اعلام نکنم، به کشورم و شغلم خیانت کرده‌ام؛ چون باور دارم باید دردها را صادقانه و شفاف گفت تا درمان پیدا شود. اکثر تحریم‌کنندگان و منفعلان درست یا غلط می‌دانند چه چیزی را نمی‌خواهند. ولی متأسفانه نمی‌دانند چه چیزی را می‌خواهند؛ برخی از اینها مخالف وضع موجودند؛ ولی اینکه چه سیستمی سر کار بیاید؟ کارگزاران حکومت را از کجا بیاورند؟ قوانین و مقررات را چه کسی بنویسد؟ و چه تضمینی برای اجرای تعهدات آنها وجود بود؟ جواب قانع‌کننده و منطقی ندارند و این یاسخ و ادله که هرکسی باشد از اینها بهتر خواهد بود، لزید بر وجود هر آدم عاقلی می‌اندازد و به فکر عمیق توام با ترس وامی‌دارد. بنابراین وظیفه ما کنشگران مبزی را بیش از پیش ارزشمند و سنگین می‌کند که برای افزایش آگاهی عمومی جامعه و نصیحت کارگزاران نظام بیشتر تلاش کنیم و با راه‌اندازی دعواهای حیدری و نعمتی و تخریب هم را دن انگ‌های مختلف به منظور از راه به درکردن رقیب برای دستیابی به قدرت، جامعه را بیشتر از این نسبت به خودمان و حکومت بدبین و بی‌اعتماد نکنیم تا به قول خودمان نگویند دست همه ما دریک کاسه است؛ همه می‌دانیم اغلب دعواهای ما برای کسب قدرت است و نه برای خدا یا خدمت به خلق خدا.

اینکه چرا و چگونه به این نقطه رسیدیم؟ و چرا این نقطه می‌تواند خطرناک باشد و چرا عقلای کشور هرچه سریع‌تر باید چاره‌اندیشی کنند؟ به خاطر این است که نگران آینده خود و کشورمان بوده و هستیم و هر آدم عاقلی برای جامعه‌اش باید تا حدی تلاش کند تا دیگران مشورت بگیرد، آینده‌نگری و پیش‌بینی کند تا راه‌حل‌های منطقی و کم‌هزینه برای رفع نگرانی پیدا کند، چراکه از قدیم هم گفته‌اند دفع خطر احتمالی عقلا واجب است. آرایی‌رو برخی از دلایلی که به نظر این‌جانب مهم هستند، عبارت‌اند از:

رسیدن به این حد از نارضایتی دلیل مختلفی می‌تواند داشته باشد و هر کارشناس بی‌طرفی بر اساس تخصص و تجربه خود و از نگاه و زاویه دید خود دلایلی را می‌تواند مطرح کند که ممکن است درست یا غلط باشد. بنابراین در اینجا به نقل این‌جانب دو دلیل عمده وجود دارد؛ اولا عوامل خارجی و تأثیرها عوامل داخلی. در ادامه هرکدام از این عوامل به‌صورت خلاصه و در حد توان صورت خواهد گرفت. عوامل خارجی: ۱- برخی از شبکه‌های سیاسی خارجی مانند ایران‌اینترنشنال، بی‌بی‌سی، صدای آمریکا، رادیو فردا و... که عملا با تولید خبر و محتواهای مختلف و جوان‌پسند و احیاناً مجالی به که کشورهای مخالف جمهوری اسلامی ایران از این شبکه‌ها انجام می‌دهند، گوی سبقت از همدیگر ربوده و از کاه کوه می‌سازند و به خورد اذهان عمومی جامعه می‌دهند. ۲- برخی از شبکه‌ها پخش‌کننده سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی مثل GM TV و... که سیاسی نیستند و در مورد عملکرد حکومت و کارگزاران مستقیم حرف نمی‌زنند، ولی نوع فیلمی که پخش می‌کنند و جامعه هدفی که در نظر گرفته‌اند، باعث شد سبک زندگی ایرانیان و خصوصا جوانان را تغییر دهد. ۳- فضای مجازی با شبکه‌های اجتماعی راهنده که هرکسی هر خبر یا نوشته‌ای درست یا غلط می‌شنود یا دریافت می‌کند، به اشتراک می‌گذارد و باعث تشویش اذهان عمومی جامعه می‌شود. هر سه مورد فوق به صورت شانه‌روزی یک توپ منفی و ناکارآمد از حاکمیت و کارگزاران در افکار عمومی جامعه به نمایش می‌گذارند. البته برای دستیابی به این تصور عمومی، اپوزیسیون خارج از کشور برای نشستانده و با حمایت از این رسانه‌ها و کاهی تحریک مخالفان و منتقدان داخلی، زمینه را برای نارضایتی مردم، اعتراض و شورش مهیا می‌کنند. ناگفته نماند اگر شرایط داخلی فراهم نباشد، عوامل خارجی به سادگی نمی‌توانند مثمر ثمر واقع شود. به قول مرحوم دکتر شریعتی در مبارزه با استبداد و استعمار، علت اصلی را باید در درون جست‌وجو کرد. تا لانه نباشد استعمار و استبداد در آن نمی‌تواند تخم گذارد. همچنان است در مبارزه با فساد با استبداد، معلول محیط اجتماعی خویش است؛ تا زمانی که محیط اجتماعی که موجب پیدایش رانت، فساد و استبداد می‌شود، به خوبی شناخته نشود، مبارزه با آن تنجیه مطلوبی نخواهد داشت. مثلا مبارزه با بشه ملاریا، هم مستلزم کشتن بشه است و هم خشک‌کردن باتلاق که محیط زیست آن است. خلاصه اینکه تا زمانی که در داخل زمینه برای جلب رضایت مردم به خاطر عدم مشارکت در قدرت و ثروت و تقسیم عادلانه فرصت‌ها برای همکان بدون تبعیض فراهم نباشد، نفوذ و تأثیرگذاری در داخل به راحتی امکان‌پذیر خواهد بود و این می‌تواند خطرهای امنیتی ایجاد کند که قابل شناسایی و درمان نخواهد بود و تنها راه مبارز با این عارضه، جلب نظر مردم با همدلی، همزبانی و احترام متقابل است.

در کنار عوامل خارجی، برخی از عوامل داخلی نیز باعث نارضایتی و در نتیجه قهر یا بی‌تفاوتی بخش زیادی از هموطنان نسبت به آینده کشور شده است که مهم‌ترین آنها از نظر نگارنده عبارت‌اند از: ۱- تاکارآمدی ارکان مختلف نظام در مبارز با رانت، فساد مالی، تبعیض، بی‌عدالتی و... ۲- بی‌اعتمادی گسترده به کارگزاران نظام و خصوصا به صداوسیمای ملی و بنابراین از دست رفتن مرجعیت خبرسرسانی و اطلاع‌رسانی به جامعه (فراموش نکنیم نبود رسانه‌های خصوصی داخلی قدرتمند در پوشش نظرات مخالفان و منتقدان جهت جلب مخاطب و جلوگیری از رفتن آنها به سوی خبرگزاری‌های خارجی نیز مزید بر علت شده است)، ۳- از بین بردن سرمایه‌های اجتماعی مورد وثوق اکثریت جامعه در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، ورزشی، دینی، اجتماعی و اقتصادی در چند دهه گذشته. ۴- یاددکردن افراد شایسته ولی منتقد دلسوز از قطار نظام به دلایل مختلف به بهانه خالص‌سازی، خودی و غیرخودی. ۵- استفاده از تریبون‌های یک‌طرفه مثل نماز جمعه و جماعت برای تخریب و برچسب‌زدن به افراد و جریان‌های مختلف و نبود تریبون متقابل با شرایط عادلانه برای پاسخ‌گویی. (فراموش نکنیم انمه جماعت باید اشتهار به حسن خلق و جذب‌کننده همه طیف‌ها و تفکرهای جامعه باشد؛ مثلا: بازار آن مرحوم آیت‌الله سیدمحمدعلی آل‌هاشم امام‌جمعه تبریز. نماز جمعه‌ها باید عامل وحدت، یکپارچگی و مهر و محبت در جامعه باشد.) ۶- عملکرد شورای نگهبان جای نقد و بررسی زیادی دارد.

(عملکرد بدون پاسخ‌گویی و شفافیت در فرایند تصمیم‌گیری باعث به‌حاشیه‌رفتن آزادی بیان در تمامی افرادی که قصد نامزدی نمایندگی مجلس یا ریاست‌جمهوری داشتند و همچنین باعث محافظه‌کاری و بعد از استقلال نمایندگان مجلس در طرح موضوعات و مطالبات مردم بعد از انتخاب شد؛ و نتیجه این شد که نسبت به مردم احساس کنند نمایندگان منتخب مطالبات و خواست حاکمیت را بر خواست مردم ترجیح می‌دهند؛ ایران‌رو باید یاس و دلسردی مردم در مشارکت انتخاباتی شد است.) ۷- عدم رعایت اخلاق از طرف کارگزاران مختلف نظام در فرایند تا منتقدان، مخالفان و افراد اعجامه و احیا به‌دور حق رقبا به هر قیمتی و حذف وسیله را توجیه می‌کند؛ به نمونه‌های منشوری مانند تهیه عقدی کرم برای آسیب‌دیدگان شهر بام‌داخرجی در زلزله و سونامی شمال شرق ژاپن در سال ۲۰۱۱ در سوی همسران دیپلمات‌های ایرانی، ابتکار عمل در ادوار مذاکرات دوجانبه و چندجانبه، گشایش حوزه‌های دیپلماسی نیز نظیر دیپلماسی آب‌های فراموزی در وزارت امور خارجه و... شناخته می‌شود. نویدبخش دوره‌ای در وزارت امور خارجه بود که «دیپلماسی با همراهی همه مردم و با رهبر مهوستعاد» تحقق یابد و ابتکارات دستگاه دیپلماسی کشور موجبات شگفتی وتحسین همکاران را فراهم کند.

برخی از کارهای نسبتا خوب از وضعیت مطلوب و آرمانی فاصله زیادی داشته باشیم. حال که دولت چهاردهم بر سر کار آمده است با یک نارضایتی گسترده جامعه روبه‌رو است. چه باید کرد؟ باید برای پیشرفت و توسعه هم‌کلام و همدل و هم‌قسم شویم. ما علاوه بر درس‌گرفتن از تاریخ و گذشته کشورمان باید از تجارب بین‌المللی و تجربه کشورهای که مسیر توسعه را به درستی طی کردند درس بگیریم و به‌دنبال اختراع دوباره چرخ نباشیم کافی است به تمامی کشورهای که توسعه یافتند نگاهی بیندازیم و ببینیم برای حکمرانی موفق چه کار کرده یا چه کار می‌کنند؟ چگونه احزاب و نهادهای مدنی در برابر قدرت زیاد حکومت‌ها یا دولت‌های مستقر نقش بازی می‌کنند؟ و بدون درگیری و خون‌ریزی و به‌آشوب‌کشیدن کشور و فقط با مشارکت مردم و با رأی آنها دولت‌ها جابه‌جا می‌شوند و برای برکشتن به قدرت می‌روند برنامه‌ریزی می‌کنند تا بتوانند افکار عمومی را بیشتر متقاعد کنند تا به قدرت برگردند.

زمان درگیری‌های مسلحانه و کشمکش‌های قدرت به صورت فیزیکی و خیابانی به سر رسیده است و الان هم کارگزاران و هم مردم می‌دانند اگر قدرت باید کنار برود. البته نهادهای بالادستی باید شرایط را برای همه احزاب، نهادهای مدنی و افراد مستقل به صورت عادلانه و منصفانه فراهم کنند و در طول بازی بی‌طرفی خود را حفظ کنند تا زمینه برای رقابت کاندیداها و مشارکت جدی مردم فراهم شود. فراموش نکنیم که اگر امروز دو حرفی برای گفتن داریم با یا وجود مخالفت‌ها و دشمنی ابرقدرت‌های جهان ازجمله آمریکا و غیره به خیلی خوبی از این شرایط استفاده می‌کنیم، در مرحله نخست به خاطر پشتیبانی مردم از نظام بوده و هست و خدای ناکرده با ساخت جنه تا موشک، بهیاد، ماهواره و... نباید مغرور شویم و مردم را فراموش کنیم. حتی تصور چنین چیزی در ذهن کارگزاران هم خطرناک است و از همان لحظه‌ای که مردم از اصل به فرع برنوند، از همان لحظه دارند زمینه را برای سقوط فراهم می‌کنیم.

بنابراین در ادامه برای آغاز یک آشتی ملی با وفاق ملی به هموطنان عزیز و به کارگزاران زحمتکش مؤدبانه و زیر توجه می‌شود؛ امید آن می‌رود بعزودی شاهد تعیین اولویت و کفتمان مشترک برای پیشرفت و توسعه ایران باشیم.

۱- به جای احساسات به عقلانیت توجه کنیم. دنبال کارهای زوده‌زده، دلالی و اصلاحات یک‌شبه نباشیم. هرکه او زاران خرد ارزان دهد/ گوهری قابلیت و دانش دهد. یادآورده را باید می‌برد.

۲- همه چیز را سیاه و سفید نبینیم و به جای توجه به وجوه به محتوا ساختارشکنی، مقاوم و در بحث‌های تحسیر، لجوج‌تر و خاجرجواب بودن نسل Z نه به خاطر کم‌کاری خانواده‌ها، مدارس، مساجد، رحانیت و دانشگاه‌ها یا دیگر نهادهای متولی فرهنگ است بلکه به خاطر اکوسیستمی است که آنها تنفس می‌کنند و به صورت طبیعی به این نوع سبک زندگی عادت کرده‌اند و از نظر خود کارهای غیرعادی انجام نمی‌دهند و رفتارهای هنجارشکنانه آنها از نظر ما هنجارشکنی محسوب می‌شود و از نظر این نسل کاملا طبیعی و عادی است. هرکوئه امر به معروف و نهی از منکر از طرف تک‌تک من و شما به‌نوعی دخالت در زندگی خصوصی و خصوصی آنها محسوب می‌شود. بنابراین توصیه می‌کنم در این‌گونه موارد موضوع را حیثیتی برای نهادهای دولتی نکنیم و با ندانم‌کاری و از روی لج‌بازی هزینه‌ای به مملکت و جامعه تحمیل نکنیم.

۳- منشا خارت بدعهدی بدهکار است؛ بنابراین در روابط بین طلبکار با بدهکار، تحمیل خسارت به شخص مدیون به دلیل بدعهدی به عدالت قضائی نزدیک‌تر است.

۴- با توجه به اینکه محاسبه خسارت تاخیر تادیه بر مبنای سال، تمام خسارت طلبکار را جبران نمی‌کند، این رای باعث تشویق بدهکاران در بدعهدی شده و از این طریق موجب برهم‌خوردن نظم حقوقی در جامعه می‌شود.

۵- در تبصره ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی در لحاظ محاسبه مهریه بر مبنای سال، صراحتا از عبارت تعریف شاخص قیمت سالانه زمان تادیه نسبت به سال اجرای عقد استفاده شده است؛ درحالی‌که در ماده ۵۲۲ قانون‌گذار از عبارت از زمان سررسید تا هنگام پرداخت استفاده کرده است. در سال ۲۰۲۳ بیش از ۱.۵ میلیارد رسید و با وجود کاهش در دوره بحران کووید مجددا در سال ۲۰۲۳ در تعداد کودکسازی بیش از بحران دیگر رشد شده است. اگر کودکسازی چنین صنعت بزرگ و پرنشاتی است، می‌توان تاثیرات غیرمستقیم و مستقیم آن در دیپلماسی مهریه را مورد توجه قرار داد. با شناخت از شناخت که کودکسازی می‌تواند در شکل‌دادن تصویر مهریه کی مقصد یا کشور ایفا کند، فرصتی برای اندیشه بیشتر فراهم می‌شود.

بدون تردید سفر و کودکسازی در مناطقی امکان‌پذیر است که آرامش و امنیت وجود داشته باشد. در مناطق جنگی یا بحرانی و پرتنش سفر و کودکسازی بسیار کاهش می‌یابد. اینجا عمیدا کودکسازی انجام یا بازدید از مقاصد امن دارند و این خصوصیت رابطه بین کودکسازی و دیپلماسی را نشان می‌دهد.

کشورها می‌توانند از کودکسازی به عنوان ابزار دیپلماسی استفاده کنند تا روابط دوستانه‌تری با کشورهای دیگر برقرار کنند. همچنین پروژه‌ها و ویدادهای بین‌المللی که در زمینه کودکسازی برگزار می‌شود، می‌تواند به تقویت همکاری‌های جهانی کمک کند.

اگر به یافته‌ها و پژوهش‌ها توجه کنیم: «دریمی‌یابیم که اهمیت صلح و امنیت برای رشد و توسعه صنعت کودکسازی در سوئیس غیرقابل انکار است. این عوامل زمینه‌ساز موفقیت کودکسازی کشور، جذب مسافران، تقویت رشد اقتصادی و تسهیل تبادل فرهنگی هستند. تعهد پایدار سیاسی به صلح و امنیت، زیربنای صنعت کودکسازی این کشور است. توجه به این مهم در بسیاری ازکشورهای اروپایی وآسیایی مانند اسپانیا، ایتالیا، فرانسه و... یا کشورهایی مانند امارات، ترکیه، آذربایجان، عمان یا عربستان که در دهه اخیر در نظام کودکسازی خود تغییرات ویژه‌ای به وجود آورده است و به دلیل دراختیارداشتن یک مقصد مهم مذهبی همیشه امنیت و آرامش را در سیاست‌های خود مورد توجه قرار می‌دهد یا کشورهایی مانند مالزی، تایلند، اندونزی، سنگاپور، هند و... یا ویتنام که با تبلیغات گسترده به دنبال حذف ذهنیت جنگ و درصدد نشان‌دادن صلح و آرامش بوده و خود را به عنوان مقصدی جذاب و محبوب معرفی می‌کنند.

اکنون ویتنام درواره سفرهای اروپایان شده و توانسته به عنوان نخستین مقصد محبوب بعد از ژاپن برای کره‌ای‌ها نیز باشد.

با فطر به عنوان نخستین کشور خاورمیانه که میزبان جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ شد، سرومدای زیادی به پا کرد. از آن زمان، این کشور در صحنه جهانی نامی برای خود دست و پا کرده است. در سال ۲۰۲۳ فطر شاهد رکودکسازی جذب کردنکر کودکسازی بین‌المللی بود.

به دیگر سخن می‌توان گفت کودکسازی یک اقدام دوسویه است. شناخت و کفتوگوی انسان‌ها، تمدن‌ها و مذاهب باعث تفاهم، دوستی، احترام متقابل، مودت و تبادل دانش و تجربه خواهد شد که شاید کارکرد اصلی و زیربنایی کودکسازی نزدیک‌شدن ملت‌ها، درک متقابل و همبستگی در این دهکده جهانی باشد.

مثال کودکسازی ملل متحد با شعار «کودکسازی و صلح» در پنجم مهرماه و ۲۷ سپتامبر به استقبال امنیت، صلح و آرامش می‌رود و این روز را جشن می‌گیرد.

هدف روز جهانی کودکسازی در سال ۲۰۲۴ بررسی تقاطع کودکسازی و ایجاد صلح است و نشان می‌دهد که چگونه سفر تبادل فرهنگی و شیوه‌های کودکسازی پایدار می‌تواند به صلح مثبت، آشتی، ثبات اقتصادی و اجتماعی، همزیستی مسالمت‌آمیز و ترویج صلح در سراسر جهان کمک کند.

قدرت تحول‌آفرین کودکسازی در ایجاد پل بین فرهنگ‌ها، تقویت کودکسازی و تعاملات، ایجاد جهانی پایدارتر و ترویج فرایندهای صلح و تفاهم بین ملت‌ها را نباید نادیده گرفت.

یادداشت

قدرت تحول‌آفرین گردشگری و صلح

حسن نقی‌زاده انصاری
عضو هیئت رئیسه مجمع نشکل‌های گردشگری

اگر اسناد مختلف untourism از جمله «اعلامیه گردشگری جهانی»، «منشور حقوق گردشگری»، «کدهای اخلاقی گردشگری» و... را بررسی و تحلیل کنیم، به این نتیجه خواهیم رسید که با «افزایش ارتباطات مردم»، «تقویت همکاری‌های بین‌المللی، فرهنگی و ارتباطات جهانی و گسترش دوستی و تفاهم بین مردم جهان»، گردشگری می‌تواند یک «نیروی حیاتی» برای ترویج صلح و تفاهم بین‌المللی باشد.

جهان ما اکنون از بحران‌های مختلف، تنش‌های قومی و مذهبی، جنگ، بیماری و... رنج می‌برد. بنابراین، نیاز مبرم به ایجاد یک الگوی جدید از مذاکرات بین‌المللی برای از بین بردن یا کاهش ناآرامی‌ها و منازعات مختلف سیاسی و... بین ملت‌ها وجود دارد.

در واقع، این پیش‌فرض که گردشگری می‌تواند درک و تساهل بین فرهنگی را ارتقا دهد، مدت‌هاست که به عنوان زیربنای کفتمان دیپلماسی گردشگری و راهی به سوی صلح مطرح است.

گردشگری و صلح رابطه‌ای پیچیده و چندوجهی دارند که می‌توانند از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرند. گردشگری به عنوان یک صنعت جهانی پتانسیل بسیار زیادی برای ترویج روابط دوستانه دارد.

وقتی مردم به نقاط مختلف جهان سفر می‌کنند، فرصتی فراهم می‌شود تا با ملل مختلف، فرهنگ‌ها و ارزش‌های جدید آشنا شوند. این تجربه می‌تواند درک و شناخت فرهنگی متقابل میان گردشگران و جامعه میزبان را افزایش دهد، علاوه بر این از نظر اقتصادی و سیاسی نیز کشورهای میزبان منتفع می‌شوند. پس اگر عمیق‌تر به رابطه بین گردشگری و صلح نگاه کنیم، گردشگری موجب:

۱-افزایش تعاملات بین فرهنگی: (سفر و گردشگری فرصت‌هایی برای افراد فراهم می‌کند تا با فرهنگ‌ها، سنت‌ها و عقاید مختلف آشنا شوند. این تعاملات می‌تواند به کاهش پیش‌داوری و سوءتفاهم‌ها کمک کند و احترام متقابل بین ملت‌ها را افزایش دهد.)

۲-توسعه اقتصادی و کاهش فقر:(گردشگری می‌تواند منبع درآمدی پایدار برای جوامع محلی باشد و به بهبود شرایط زندگی مردم کمک کند. توسعه اقتصادی می‌تواند به کاهش نابرابری‌ها و تنش‌های اجتماعی منجر شود و در نتیجه صلح و ثبات را تقویت کند.)

۳-حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی: (گردشگری مسئولانه می‌تواند به حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی کمک کند. این اقدام می‌تواند به ایجاد افتخار ملی و همبستگی فرهنگی منجر شود و جوامع را به همکاری و حمایت از یکدیگر ترغیب کند.)

اکنون گردشگری جهانی با سرعت خیره‌کننده‌ای در حال رشد است، به‌طوری‌که بر اساس بسیاری از معیارها، به بزرگ‌ترین صنعت تبدیل شده است. تعداد گردشگران بین‌المللی در سال ۲۰۲۳ به بیش از ۱.۵ میلیارد رسید و با وجود کاهش در دوره بحران کووید مجددا در سال ۲۰۲۳ در تعداد کودکسازی بیش از بحران دیگر رشد شده است. اگر گردشگری چنین صنعت بزرگ و پرنشاتی است، می‌توان تاثیرات غیرمستقیم و مستقیم آن در دیپلماسی مهریه را مورد توجه قرار داد. با شناخت از شناخت که گردشگری می‌تواند در شکل‌دادن تصویر مهریه کی مقصد یا کشور ایفا کند، فرصتی برای اندیشه بیشتر فراهم می‌شود.

بدون تردید سفر و گردشگری در مناطقی امکان‌پذیر است که آرامش و امنیت وجود داشته باشد. در مناطق جنگی یا بحرانی و پرتنش سفر و گردشگران بسیار کاهش می‌یابد. اینجا عمیدا گردشگران تمایل به بازدید از مقاصد امن دارند و این خصوصیت رابطه بین گردشگری و دیپلماسی را نشان می‌دهد.

کشورها می‌توانند از گردشگری به عنوان ابزار دیپلماسی استفاده کنند تا روابط دوستانه‌تری با کشورهای دیگر برقرار کنند. همچنین پروژه‌ها و ویدادهای بین‌المللی که به عنوان زیربنای کفتمان دیپلماسی گردشگری و راهی به سوی صلح مطرح است.

گردشگری و صلح رابطه‌ای پیچیده و چندوجهی دارند که می‌توانند از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرند. گردشگری به عنوان یک صنعت جهانی پتانسیل بسیار زیادی بر